

روایتگری ۲ آزاده استان «یوسف ها»ی زمان



شهرکی > اشک و شوق با هم در آمیخته بود وقتی پا به

وطن گذاشتند و خاک مقدس میهن را در آغوش می گرفتند. خانواده ها هم دل در دلشان نبود هنگامی که نام فرزندان برومند این سرزمین و آزادگان بزرگ ایران از رادیو اعلام می شد و دل های فراوانی منتظر بودند نام عزیزان و جگر گوشه هایشان را بشنوند برای پایان دوری چند ساله. سال ها انتظار، درد فراق پایان رسیده بود و اولین گروه آزادگان ایران به آغوش وطن و هم وطنان بازگشتند. مردان قبیله غیرت، استقامت و دلآوری، آزادگانی که صبورانه شکنجه های نیروهای بعثی را تحمل کردند و اسوه صبر و مقاومت شدند. با همان صلابتی که برای دفاع از میهن رفته بودند استوارتر به آغوش باز میهن بازگشتند، اگر چه نحیف و شکسته به نظر می رسیدند اما در سال های اسارت نیروهای بعثی را با استقامت خود شکنجه دادند. ۲۸ سال پیش در ۲۶ مرداد ماه ۶۹ اولین گروه از آزادگان به کشور بازگشتند و شادی و شعفر را برای خانواده ها و مردم چشم به راه ایران به ارمغان آوردند. چشم انتظاری ها به پایان رسید و یوسف ها به کنعان بازگشتند تا چشمان کم سوزی پدران و مادرانی که دل خوش به پیرهن یوسف های خود بودند به جمال فرزندانشان و بیناتر شود و کودکان زیادی دست نوازش پدرا نه را بر سر خویش احساس کنند.

ه ۸ نفر در یک آسایشگاه

«جامعلی مرادقلی» یکی از آزادگانی است که به گفته خودش اگر هنوز هم پای دفاع از دین و وطن در میان باشد با تمام توان می جنگد. او که ۵۴ ساله و در شهرداری منطقه دو زاهدان مشغول کار به است می گوید: سال ۶۶ به جبهه اعزام شدم، آن روزها ۲۴ ساله و مجرد بودم. وی ادامه می دهد: شش ماه خط طلاییه مشغول نبرد با دشمن بعثی بودیم و بعد از آن به خط شهابیه منتقل شدیم. چهارم تیرماه ۶۷ بود که عراق عملیات انجام دادو به همراه تعداد دیگری از رزمندگان در شهابیه اسیر شدم

امروز؛ همایش تجلیل از آزادگان زاهدان

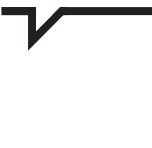
همایش تجلیل از آزادگان زاهدان امروز برگزار می شود. رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری زاهدان به خبرنگار ما گفت: همایش آزادگان استان به مناسبت سالروز ورود آنان به میهن با همکاری سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی سپاه و اداره بنیاد شهید و امور ایثارگران زاهدان با حضور هزار نفر از خانواده شهدا، جانبازان و ایثارگران امروز در باغ خانواده این شهر برگزار می شود. «داوود ذوقلقاری» با بیان این که نماینده ولی

که تعدادمان به ۷۰ نفر می رسید. هنگامی که به اسارت در آمدم بعثی ها ما را با خودروهایشان به عراق منتقل کردند و مدتی هم در بغداد بودیم. برای این که خود را در نظر اسیران ایرانی خوب جلوه دهند اجازه زیارت عتبات عالیات را هم به ما دادند، اما این ها فقط تبلیغاتی بود که آن ها انجام می دادند زیرا پس از آن ما را با خودروهایی به سوله های عراقی منتقل کردند که به آن ها آسایشگاه گفته می شد. وی که ۲۶ ماه در اسارت به سر برده است خاطرنشان می کند: نام من جزو فهرست صلیب سرخ بود، به همین دلیل شرایط بهتری هم وجود داشت، زیرا می توانستم هر دو ماه نامه ای به ایران بفرستم و خانواده ام را از سلامتی ام آگاه کنم. با این وجود پس از انتقال ما به اردوگاه ها شکنجه ها شروع شد. ۸۰ نفر در یک آسایشگاه زندگی می کردیم و جایی برای خوابیدن نبود. نیروهای بعثی هر روز به بهانه ای ما را کتک می زدند، یادم است در روز پنج بار هم شکنجه می شدیم. برخی از مواقع عده ای از اسیران را برای شکنجه به محوطه می بردند و با کابل و شیلنگ شکنجه می کردند. به چشمان و سرمان هم ضربه می زدند. دائم تعداد اسیران شمارش می شدند که کسی فرار نکند. این آزاده سرافراز خاطرنشان می کند: ۲۸ سال از آن روزها می گذرد و در انتظار بازنشستگی هستم. بنیاد شهید و امور ایثارگران اقدام خاصی برای ما انجام نداده است و دو پسر هم بیکار هستند، اگر شرایطی ایجاد می شد تا فرزندانمان مشغول به کار شوند دغدغه های ما هم کمتر می شد.

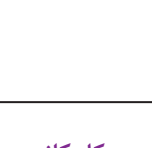
مرادقلی: پس از انتقال به اردوگاه ها شکنجه ها شروع شد ه ۸ نفر در یک آسایشگاه زندگی می کردیم



سرگز: بیماری هایمان ناشی از عوارض جنگ و ترکش هایی است که در بدنم جا خوش کرده است



سرگز: بیماری هایمان ناشی از عوارض جنگ و ترکش هایی است که در بدنم جا خوش کرده است



سرگز: بیماری هایمان ناشی از عوارض جنگ و ترکش هایی است که در بدنم جا خوش کرده است

«حسینعلی سرگز» جانباز و آزاده سرافراز دیگری است که به گفته خودش جنگ هنوز برایش تمام نشده است. او که به دلیل عوارض ناشی از ترکش ها و خمپاره های جنگ سال ها بیمار است ادامه می دهد: سال ۱۳۶۴ به جبهه رفتم و دو سال خط مقدم خدمت کردم و سپس اسیر شدم. در زمان اسارت در منطقه سومار بودیم که نیروهای بعثی ما را محاصره کردند و اسیر شدیم. او که ورق های کتاب اسارتش به ۸۱۰ روز می رسد ادامه می دهد: ۲۷ ماه در بدترین شرایط دوران اسارت را گذراندم و سرانجام سال ۶۹ به کشور بازگشتم. ۲۵ ساله بودم که اسیر شدم، ازدواج کرده بودم و یک فرزند هم داشتم. نام من و چند نفر دیگر از اسیران در فهرست نام های صلیب سرخ نبود، به همین دلیل شرایط سخت تری داشتیم، خانواده ام چون خبری از من نداشتند در ماه های اسارتم سختی های زیادی کشیدند. وی بیان می کند: ۲۷ ماه مفقود الاثر بودم و خانواده ام نمی دانستند زنده هستم. هنگامی که به وطن بازگشتم خانواده ام از طریق رادیو خبر آزادی ام را شنیدند و خمپهیدند زنده هستم. خاطرات خوبی از دوران اسارت ندارم. اسارت اذیت و آزار و شکنجه است. پس از آن که به اردوگاه ه ای عراقی منتقل شدیم لباس های ما را گرفتند و تا یک ماه لباس به ما نمی دادند و با حداقل لباس بودیم. در هر آسایشگاهی ۱۵۰ نفر بودیم که کتابی می خوابیدیم، به دلیل این که فضا کم بود. در آسایشگاه ما از سیستان و بلوچستان ۱۰ نفر حضور داشتند. این آزاده سرافراز که جانباز ۳۵ درصد ارتش است می گوید: عدسی را در آب می ریختند و به عنوان غذا به ما می دادند. ۱۰ قاشق کته برنج می دادند و در روز فقط یک وعده غذا داشتیم. یادم است به ما انگور دادند و به هر نفر فقط ۹ دانه انگور رسید. برای حمام کردن فقط به اندازه یک حلب پنج کیلو گرمی روغن سهم آب داشتیم و برای استحمام آب گرم به ما نمی دادند که با لیوان خودمان را می شستیم.

برای دین، وطن و ناموس سرگز:، با بیان این که برای وطن و ناموس، دین و قرآن به جنگ رفتم و باز هم اگر جنگ شود توانایی داشته باشم حتما می روم. او ادامه می دهد: ترکش های بدنم هر چند وقت یک بار عفونت می کند. گاهی که شب ها در خیابان صدای ترقه ای به گوشم می رسید گمان می کردم بمباران هوایی شدیم یا خمپاره ای منفجر شده است از خواب بیدار می شدم و به این سمت و آن سمت می دویدم. در خواب شکنجه های عراقی ها به خاطرم می آمد. جنگ برای ما هنوز تمام نشده است. عوارض آن همواره با ما و خانواده هایمان همراه است و من هم به دلیل این عوارض ۱۲ بار ه و بار یک ماه روان پزشکی بستری بودم. سه بار هم به کما رفتم و خانواده ام در آن روزها سختی های زیادی را متحمل می شدند. وی تصریح می کند: بیماری هایمان ناشی از عوارض جنگ و ترکش هایی است که در بدنم جا خوش کرده است. دیسک کمر، پوکی استخوان، بیماری قلبی و ناراحتی های اعصاب و روان، از عوارض جنگ است و برایم به اندازه ای است که دیگر توان کار کردن ندارم و فقط حقوق اندکی از بنیاد شهید و امور ایثارگران دریافت می کنم. هزینه های درمان، دارو و بیماری هایم به قدری زیاد است که گاهی توان پرداخت آن را ندارم. سه فرزندم با تحصیلات دانشگاهی بیکار هستند و خودم هم توان حمایت از آن ها را ندارم. وی ادامه می دهد: عواقب و گرفتاری ها برای جانبازان جنگی روز به روز بیشتر می شود شاید خودشان بتوانند تحمل کنند اما گاهی برای اطرافیان پذیرفتن شرایط سخت است، این ها قابل جبران نیست همه چیز مادی و سهمیه و... نیست و هیچ فردی به جز افراد خانواده، همسر و فرزند نمی تواند جانبازان واقعی را درک کند، زیرا از نزدیک دردهای او را لمس می کنند. همسر و فرزندانم هر زمان که به دلیل عوارض ترکش ها به کما می روم روزهای سختی را می گذرانند.

مدیر کل کانون های پرورش فکری کودکان و نوجوانان:

پویش فصل گرم کتاب در زاهدان آغاز شد

پویش ملی فصل گرم کتاب در پارک فرهنگیان زاهدان آغاز شد. مدیرکل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به خبرنگار ما گفت: بر اساس شیوه نامه ابلاغی پویش فصل گرم کتاب کانون های پرورش فکری کودکان و نوجوانان در پوستان ها و مراکز تفریحی ایستگاه های کتاب خوانی بر پا می شود. «معصومه هادی» افزود: گسترش فرهنگ کتاب خوانی در میان کودکان و نوجوانان، پر کردن اوقاف فراغت و پیش بینی شده است.

استقامت و بیپهوشی زیر شکنجه ها

وی ادامه می دهد: یک شب مرا به محوطه بردند و شکنجه کردند. نیروهای بعثی اصرار داشتند که علیه امام خمینی (ره) شعار دهم اما این کار را نمی کردم. من در چشمانشان نگاه می کردم و آن چه می خواستند را نمی گفتم، به همین دلیل آن ها بیشتر مرا شکنجه می دادند تا این که یکی از اسیران فریاد زد در چشمانشان نگاه نکن و سرت را پایین بینداز تا کمتر شکنجه شوی. با سیم کابل من را شکنجه می کردند و دوش آب هم باز بود و زیر آب شکنجه می شدم. آن قدر شکنجه دادند تا بیپهوش شدم. وقتی سرم را پایین انداختم و دیگر در چشمانشان نگاه نکردم بیپهوش شدم و شکنجه هم به پایان رسید. وی تصریح می کند: هر نفرمان به اندازه یک موز ایک در دوران اسارت جا داشتیم و به خاطر آن هم روز و شب ما را شکنجه می کردند. وقتی بیمار می شدیم دارو نمی دادند و از درمان هم خبری نبود، بسیاری از اسیران در دوران اسارت به دلیل نبود دارو دچار نقص عضو شدند. برخی مریض می شدند و چون درمان چندانی انجام نمی شد ممکن بود بر اثر بیماری جان خود را از دست بدهند. بیماران را به بهداری می بردند اما دیگر بازگشتی در کار نبود.

برای دین، وطن و ناموس

سرگز:، با بیان این که برای وطن و ناموس، دین و قرآن به جنگ رفتم و باز هم اگر جنگ شود توانایی داشته باشم حتما می روم. او ادامه می دهد: ترکش های بدنم هر چند وقت یک بار عفونت می کند. گاهی که شب ها در خیابان صدای ترقه ای به گوشم می رسید گمان می کردم بمباران هوایی شدیم یا خمپاره ای منفجر شده است از خواب بیدار می شدم و به این سمت و آن سمت می دویدم. در خواب شکنجه های عراقی ها به خاطرم می آمد. جنگ برای ما هنوز تمام نشده است. عوارض آن همواره با ما و خانواده هایمان همراه است و من هم به دلیل این عوارض ۱۲ بار ه و بار یک ماه روان پزشکی بستری بودم. سه بار هم به کما رفتم و خانواده ام در آن روزها سختی های زیادی را متحمل می شدند. وی تصریح می کند: بیماری هایمان ناشی از عوارض جنگ و ترکش هایی است که در بدنم جا خوش کرده است. دیسک کمر، پوکی استخوان، بیماری قلبی و ناراحتی های اعصاب و روان، از عوارض جنگ است و برایم به اندازه ای است که دیگر توان کار کردن ندارم و فقط حقوق اندکی از بنیاد شهید و امور ایثارگران دریافت می کنم. هزینه های درمان، دارو و بیماری هایم به قدری زیاد است که گاهی توان پرداخت آن را ندارم. سه فرزندم با تحصیلات دانشگاهی بیکار هستند و خودم هم توان حمایت از آن ها را ندارم.

وی ادامه می دهد: عواقب و گرفتاری ها برای جانبازان جنگی روز به روز بیشتر می شود شاید خودشان بتوانند تحمل کنند اما گاهی برای اطرافیان پذیرفتن شرایط سخت است، این ها قابل جبران نیست همه چیز مادی و سهمیه و... نیست و هیچ فردی به جز افراد خانواده، همسر و فرزند نمی تواند جانبازان واقعی را درک کند، زیرا از نزدیک دردهای او را لمس می کنند. همسر و فرزندانم هر زمان که به دلیل عوارض ترکش ها به کما می روم روزهای سختی را می گذرانند.



در گفت و گو با مدیر کل اوقاف و امور خیریه مطرح شد:

آسیب شناسی وقف

شهرکی > سیستان و بلوچستان موقوفه های زیادی دارد که بسیاری از آن ها مذهبی است و در زمینه نیازهای روز جامعه وقف نمی شود، دلیل آن اطلاع رسانی ضعیف است. مدیر کل اوقاف و امور خیریه به خبرنگار ما گفت: در آسیب شناسی نیات واقفان و موقوفه های ثبت شده در استان مشخص شد اطلاع رسانی ضعیف از سوی ادارات اوقاف و امور خیریه، رسانه ها، امامان جمعه و جماعت سبب شده است بسیاری از موقوفات استان همچنان مذهبی باشد.

حجت الاسلام «محسن مومنی مقدم» افزود: در گذشته در برهه ای از زمان حکومت ها اجازه برگزاری مراسم عزای حسینی را نمی دادند به همین دلیل چون گمان می کردند نیاز جامعه به این سمت است اموال خود را برای برگزاری مراسم عزای حسینی وقف می کردند. وی بیان کرد: افرادی که می توانند آگاه سازی واقفان را به سمت وقف برای نیازهای روز جامعه هدایت کنند در این باره به درستی اقدام نکردند به همین دلیل است که موقوفه ها در استان برای رفع نیازهای روز جامعه نیست. در حالی که برای هر موضوعی می توان وقف کرد. نیازهایی مانند ایتام، زنان سرپرست خانوار، ازدواج، گسترش علم و فناوری، حمایت مخترعان و... از زمینه هایی است که می توان برای آن وقف کرد. وی ادامه داد: فرصت جبران وجود دارد و می توان برای آگاه سازی جامعه در باره زمینه های وقف اقدام کرد. ایجاد کمپین در شبکه های مجازی، ایجاد مراکز مشاوره وقف و هدایت و آگاه سازی واقفان از نیازهای روز جامعه نمونه ای از اقدام های انجام شده برای فرهنگ سازی وقف است.

وی بیان کرد: باید راهکارهایی ایجاد شود که مردم بدانند می توانند وقف کنند. وقف مشارکتی و دسته جمعی نمونه ای از آن است. در وقف ارزش مالی معنایی ندارد و به اندازه توان در این باره اقدام می شود. فرهنگ وقف حتی در میان اهل علم هم به خوبی تبیین نشده است.

وی اظهار کرد: در صورتی که این فرهنگ در میان مردم گسترش یابد می توان از طریق وقف خدمت رسانی کرد. اگر چه زمینه خیرخواهی و رفع نیازهای مردم در استان وجود دارد اما باید تا به شاخص های مطلوب دست یابیم.

وی اظهار کرد: سیستان و بلوچستان در بسیاری از شاخص ها اول است، اما در وقف در رتبه های پایین قرار دارد که با همکاری نهادهای مسئول و افراد دارای تربیون می توان در این باره هم به شاخص های مطلوب دست یافت.

نیازمندیهای عمومی

به منظور رفع نیازهای روزمره شما تعداد زیادی آگهی در نیازمندیهای استان چاپ میشود از آن جایی که وظیفه این رسانه اطلاع رسانی به منظور سهولت در داد و ستد می باشد،

لذا مسئولیتی درباره محتوای آگهی ها ندارد. لطفا هنگام داد و ستد، با روشهای مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.

خدمات شهری سیستان و بلوچستان	اجرای سقف شیروانی در سراوان ۰۹۱۵۶۸۲۱۹۰	آموزش نقشه برداری بصورت تخصصی ۰۹۱۷۷۶۳۳۶۲۴	برق کشی ساختمان سیم کشی ساختمان از صفر تا صد ۰۹۰۱۹۷۷۵۱۹۲	وانت بار تلفنی در زابل ۰۹۳۹۵۴۶۸۳۳۱	نصب اسپیلت و سرویس در ایرانشهر ۰۹۹۱۰۸۸۶۳۷۷	ساخت استراکچر پیچ و مهره ای و سوله صنعتی فروش سوله دست دوم (سوله استوک) تهیه نقشه مهندسی ۰۹۱۳۱۱۰۴۶۳۲	گازرسانی آذرخش شعله ۰۹۱۲۲۶۸۴۴۱۸	سبک سازان آریا پارس طراحی، مشاوره و اجرا بصورت اسکلت و کلید تحویل ۰۹۱۵۴۹۸۹۰۰۸
کارگاه تولیدی پرده عمودی پرده تصویری ۰۹۰۱۵۵۶۴۷۲۴	کابل کشی شبکه پذیرفته می شود ۰۹۱۵۱۴۹۱۵۵۷	جوشکار نرده راه پله حفاظ روی دیوار تراس و...در کوتاهترین زمان ممکن در زاهدان ۰۹۳۶۱۴۷۰۱۸۶	فالتیوبی نور شستشو و لکه گیری انواع فرش های ماشینی و دستباف ۰۹۱۵۹۳۹۶۴۲	ساخت انیمیشن تبلیغاتی ۰۹۲۲۱۲۱۹۲۹۱	کت و شلوارفروشی سناتور خ امام خمینی ۰۹۳۵۱۸۰۰۳۱	کاشی کاری مدرن ۰۹۱۵۳۴۳۵۸۲۳	نقاشی ساختمان تفتان رنگ های داخلی ساختمان نیمه پلاستیک،تمام ۰۹۰۲۷۶۱۸۱۷۳	جدید ترین و خاص ترین محصولات خانه و آشپزخانه خ طالقانی،بازار بزرگ حافظ ، پارکینگ طبقاتی ، طبقه یک، روبروی کارگزاری تامین اجتماعی
ایزوگام سلیمانی آدرس: بلوار خرمشهر بین خرمشهر ۱۲-۱۴	رنگ آمیزی ساختمان ۰۹۱۵۲۶۷۴۶۹۰	نصب پرده پذیرفته می شود ۰۹۳۸۵۱۹۶۴۶۴	نصب پرده پذیرفته می شود ۰۹۳۸۵۱۹۶۴۶۴	آموزش خوشنویسی با خودکار ۰۹۳۵۸۸۱۳۴۶۹	ترجمه متون انگلیسی به فارسی و بالعکس ۰۹۱۵۷۵۴۹۳۱۵	کاشی کاری مدرن ۰۹۱۵۳۴۳۵۸۲۳	بلاستیک، روغنی، اکرولیک جلا و... ۰۹۰۲۷۶۱۸۱۷۳	بازار بزرگ حافظ ، پارکینگ طبقاتی ، طبقه یک، روبروی کارگزاری تامین اجتماعی
هامون برق صنعتی طراحی، نصب، تعمیر و نگهداری پروژه ها و دستگاه های صنعتی آدرس: خیابان مصطفی روبروی مصطفی ۳۷	نما کاری رومی و انگلیسی چاپهار و کنارک ۰۹۱۸۴۱۳۱۰۰۹	کارواش پدیده زیرشویی، متونق، روشویی، توشویی، موتورشویی، تلفات صندلی و سقف آدرس: ایرانشهر امام خمینی ۱۷ نرسیده به چهار راه مولوی ۰۹۱۵۰۳۱۹۲۹۸	خدمات فنی حافیر نصب و تعمیر انواع اسپلٹ، یخچال و لوله گذاری داخلی آدرس:خیابان امام خمینی ۵۲	جوبای کار نقشه برداری ۰۹۱۰۸۲۸۷۶۳۸	خدمات کشاورزی و باغداری مکران انواع کود، بذر و سموم کشاورزی، انواع نهال های درختان و ... ۰۹۳۹۸۳۵۲۸۸۱	اجرای آجرنما در چاپهار ۰۹۳۵۰۸۶۶۶۰۲	خیاطی ستایش کلیه سفارشات مانتو، سارافون، کت و... پذیرفته می شود ۰۹۱۵۰۳۷۵۹۷۸	نصب داربست ۰۹۱۲۰۰۳۹۹۶۰